

درس نامه حاکمیت فقیه در عصر غیبت کبرا

ویرایش دوم

حسین قدیری

www.ketab.ir

قدیری، حسین، ۱۳۵۶ -

درس‌نامه حاکمیت فقیه در عصر غیبت کبرا / حسین قدیری، - [ویراست ۲] - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۸.

۲۶۴ ص. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۲۷۸۱) (کلام و عقاید: ۲۹۳، فقه سیاسی: ۳۵)

ISBN 978-964-09-2054-1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتاب‌نامه: ص. [۲۵۹] - ۲۶۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

چاپ دوم: ۱۴۰۰.

۱. ولایت فقیه. ۲. ولی فقیه. ۳. حاکمیت (فقه). الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه

قم، مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان.

۲۹۷/۲۵

BP ۲۲۳/۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۷۴۸۵۴۸

۱۴۰۰

www.ketab.ir

■ موضوع: فقه سیاسی: ۳۵ (کلام و عقاید: ۲۹۳)

■ گروه مخاطب: تخصصی (پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۷۸۱

مسلسل انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۷۷۳۶

بوسه کتاب

بوستان کتب

درسنامه حاکمیت فقیه در عصر غیبت کبرا

- نویسنده: حسین قدیری
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ: دوم / ۱۴۰۰ • شمارگان: ۳۰۰ • بها: ۷۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک اثر متعلق به مؤسسه بوستان کتاب است.
printed in the Islamic Republic of Iran

- ❖ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفاییه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۷-۳۷۷۴۲۱۵۵ / ۳۷۷۴۲۱۵۴، تلفن پخش: ۳۷۷۴۴۲۶
 - ❖ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)
 - ❖ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، پلاک ۹۵۱، تلفن: ۶۶۹۶۹۸۷۸
 - ❖ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۳۲۲۳۳۶۷۲
 - ❖ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۳۲۲۲۰۳۷۰
 - ❖ فروشگاه شماره ۵ (رنجین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نش خیابان ارم، تلفن: ۳۷۷۴۳۱۷۹
- اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۱۰۰۰۲۱۵۵ و یا ارسال درخواست به:

پست الکترونیک مؤسسه: [E-mail: info@bustaneketab.com](mailto:info@bustaneketab.com)

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: www.bustaneketab.com

با قدردانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

- اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب و سرویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار • ویراستار: محمد زارعی
- اصلاحات حرف‌نگاری: زهرا امیدی و احمد مؤتمنی • صفحه‌آرایی: سبکینه ملازاده و احمد مؤتمنی
- نمونه‌خوانی: جواد عروجی • کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی منش
- مدیر گروه هنری: مسعود نجابتی • طراح جلد: علیرضا قره‌گزلو • اداره آماده‌سازی: حمیدرضا تیموری
- اداره چاپخانه: مجید مهدوی، ناصر منتظری ۷۷۲۶ و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی.

رئیس مؤسسه
محمدباقر انصاری

فهرست مطالب

مقدمه	۹
بخش اول: سابقه تاریخی مباحث فقهی ولایت فقیه	۲۵
الف) سوابق تاریخی	۲۵
۱. در زمان حیات پیامبر اسلام	۲۵
۲. در زمان امامت امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>	۲۶
۳. عصر غیبت صغریا	۲۷
ب) تاریخچه طرح مباحث ولایت فقیه میان فقها	۲۷
اختیارات وسیع محقق کرکی در دربار صفویه	۳۰
بخش دوم: بررسی حکم عقل بر حکومت فقیه در عصر غیبت کبرا	۳۵
مقدمه	۳۵
استدلال عقلی اول: حکمت الهی و ارتباط آن با حاکمیت فقیه	۳۶
مرحله اول: مقتضای حکمت الهی	۳۶
مرحله دوم: ضرورت وجود راهنما پس از ختم نبوت	۳۸

درس‌نامه حاکمیت فقیه در عصر غیبت کبرا

۴۱	مرحله سوم: لزوم تشکیل حکومت در عصر غیبت کبرا
۴۴	استدلال عقلی دوم
۴۴	هماهنگی نظام تکوین و تشریح
۴۸	استدلال عقلی سوم
۴۸	تلازم بین اعتقاد به ولایت تشریحی خداوند و ولایت فقیه
۵۵	بخش سوم: دلایل نقلی
۵۵	فصل اول: آیات
۵۵	آیه اول
۵۹	آیه دوم
۶۱	آیه سوم
۶۵	فصل دوم: روایات
۶۵	روایت اول
۷۵	روایت دوم
۸۱	روایت سوم
۹۰	روایت چهارم
۱۰۱	روایت پنجم
۱۰۹	روایت ششم
۱۱۳	روایت هفتم
۱۲۲	روایت هشتم
۱۲۸	روایت نهم
۱۳۸	روایت دهم
۱۴۲	نتیجه نهایی از روایات مذکور

فهرست مطالب

- ۱۴۳ فصل سوم: ولایت فقیه در متون فقهی
- ۱۴۳ ولایت فقیه در کلام ملا احمد نراقی
- ۱۴۸ بررسی دیدگاه آیه‌الله خوئی در مورد ولایت فقیه
- بخش چهارم: ولایت فقیه و شبهات
- ۱۵۷ گفتار اول: نظریه انتصاب یا انتخاب
- ۱۶۸ گفتار دوم: بررسی دلایل نظریه انتخاب
- ۱۶۹ الف) شواهد تاریخی در سیره معصومین علیهم‌السلام
- ۱۷۵ ب) شواهد قرآنی و روایی
- ۱۸۱ ج) سیره عقلایی
- ۱۸۴ گفتار سوم: رهبری شورایی
- ۱۸۵ اشکالات رهبری شورایی
- ۱۹۰ گفتار چهارم: مفهوم «جمهوریت» در نظام اسلامی
- ۱۹۷ گفتار پنجم: امور حسبه
- ۲۰۲ گفتار ششم: ولایت فقیه در خارج از مرزهای کشور
- ۲۰۶ گفتار هفتم: مجلس خبرگان رهبری
- ۲۱۶ گفتار هشتم: ولایت فقیه یا نظارت تشریفاتی
- ۲۱۶ الف) ولایت یا نظارت
- ۲۱۸ ب) ولایت مطلقه فقیه
- ۲۲۱ گفتار نهم: شبهات متفرقه
- ۲۲۸ گفتار دهم: فقیه حاکم، حجت شرعی در عصر غیبت است
- ۲۳۰ شبهه اول: تبعیت از فقیه غیر معصوم
- ۲۳۱ شبهه دوم: تبعیت از فقیه در حالی که یقین به اشتباه او وجود دارد

مقدمه

۱. اهمیت بحث در ولایت فقیه

موضوع ولایت فقیه، بعد از ثبوت ولایت ائمه اطهار علیهم السلام، از مباحث اعتقادی ما شیعیان است که اطلاع از مبانی آن، اهمیت ویژه‌ای دارد، تا آن‌جا که مرحوم صاحب جواهر در مورد منکر ولایت فقیه می‌فرماید:

چنین کسی طعم فقه را چشیده و لحن احادیث و رموز آن‌ها را درک نکرده و در مورد روایاتی که اهل بیت علیهم السلام فقها را حاکم و قاضی و حجت و خلیفه خویش قرار داده و در آن‌ها آنچه برای نظم امور شیعیان نشان در عصر غیبت لازم است را بیان نموده‌اند، اندیشه نکرده‌اند.^۱

۲. منشأ مشروعیت حکومت

حاکمیت و قدرت سیاسی، مهم‌ترین عامل اثرگذار در تشکیل جامعه اسلامی است. موضوع اصلی در این باب، منشأ مشروعیت این قدرت است. اگر فرد مسلمان، اصل توحید را بپذیرد، لازمه‌اش این است که

۱. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۲۹۷: «کأنه مذاق من طعم الفقه شیئاً ولا فهم من لحن قولهم و رموزهم أمراً ولا تأمل المراد من قولهم إني جعلته حاکماً و قاضياً و حجةً و خلیفهً و نحو ذلك مما یظهر منه ارادة نظم زمان الغیبة شیعتهم...».

ربوبیت تکوینی (تدبیر هستی با نظمی خاص به طوری که غرض و هدف مطلوب از آفرینش حاصل آید) و تشریحی الهی را نیز باید گردن نهاد، زیرا خداوند، خالق هستی است و بنابراین ربّ تکوینی عالم و اشرف مخلوقات (انسان) است و مدیریت تکوینی انسان به دست خالق اوست. با درک صحیح از ربوبیت تکوینی و تشریحی خداوند در مورد نظام هستی (که در همین نوشتار به شرح آن خواهیم پرداخت) اعتقاد به حاکمیت مطلق خداوند بر این جهان شکل می‌گیرد.

۳. لزوم تشکیل حکومت در جوامع بشری

ضرورت تشکیل حکومت برای اداره جامعه بشری و جلوگیری از بی‌نظمی و هرج و مرج در آن، عقلانی است و عقلای عالم آن را تأیید می‌کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام زمانی که حوارج نهروان می‌گفتند «لا حکمَ إِلَّا لله» (فرمانی جز فرمان خدا نیست) ضمن تذکر در خصوص مغالطه آنان در به‌کارگیری این کلام، لزوم تشکیل حکومت در جوامع بشری را (چه مسلمان و چه غیرمسلمان) متذکر شده و فرموده‌اند:

این‌که فرمانی جز فرمان خدا نیست، سخن حقی است که از آن، اراده باطل شد. آری، درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست، ولی این‌ها می‌گویند زمام‌داری جز برای خدا نیست، درحالی‌که برای مردم، چاره‌ای غیر از وجود یک امیر برای آنان وجود ندارد.

حضرت در ادامه به بیان علل نیازمندی بشر به حکومت می‌پردازند:

تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند گردند و مردم در استقرار حکومت زندگی کنند. به وسیله حکومت، بیت‌المال جمع‌آوری می‌شود و به کمک آن می‌توان با دشمنان مبارزه

نمود؛ جاده‌ها امن و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته شود؛ نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران در امان می‌باشند.^۱

آنچه در فرمایش‌های مولایمان نباید از آن غافل شویم این است که فوایدی که در سایه تشکیل حکومت به آن‌ها اشاره فرموده‌اند اولاً: نیاز ضروری زندگی اجتماعی است؛ ثانیاً: این مسئله فقط مربوط به جامعه اسلامی نیست، بلکه جامعه بشری مد نظر است. البته در سایه حکومتی که به اصول انسانی، پای‌بند باشد، مؤمنان نیز از نظر زندگی فردی آسوده خواهند بود.

سید رضی در ادامه همین خطبه، روایتی از آن امام علیه السلام، نقل کرده که ایشان در مورد ضرورت حاکمیت صالحان فرموده‌اند:

زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام شعار حکمیت خوارج (لا حکم الا لله) را شنیدند فرمودند: منتظر فرمان الهی درباره شما هستم و فرمود: در حکومت انسان صالح، شخص شقی [در آزمایش] به اعمال نیک خویش مشغول می‌شود، ولی در زمام‌داری ستم‌کار، انسان بی‌ت و شقی بهره‌مندی دارد.^۲

۴. تکلیف فقها و مردم در عصر غیبت

از طرف دیگر بر اساس قواعد فقهی، هیچ انسانی ولی انسان دیگر

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۰: «و من کلام له علیه السلام فی الخوارج لما سمع قولهم لا حکم الا لله... وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْتَلِ فِي إِمْرَتِهِ النُّؤْمُنُ وَ يَسْتَنْبَعُ فِيهَا الْكُفْرَ وَ يُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَ يُجْنَعُ بِهِ الْفِيءُ وَ يُقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوَى حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يُسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ».

۲. همان: «و فی روایة اخرى أنه علیه السلام لما سمع تحکیمتهم قال حُكِمَ اللهُ أَنْتَظِرُ فِيكُمْ وَ قَالَ أَمَا الْإِمْرَةُ الْبَرَّةُ فَيَعْمَلُ فِيهَا النَّفْقَى وَ أَمَا الْإِمْرَةُ الْفَاجِرَةُ فَيَسْتَمْتَعُ فِيهَا الشَّقَى إِلَى أَنْ تَنْقَطِعَ مَدَّتُهُ وَ تَذَرِكُهُ مَبِيتُهُ».

نیست و حاکمیت بر غیر ندارد و به اصطلاح، همگی آزاد خلق شده‌اند، مگر این‌که دلیلی خاص و جداگانه برای این مسئله یافت شود.^۱ لذا باید ببینیم اولاً: چه دلیل یا دلایلی برای مشروعیت حکومت انسان - اعم از انبیا، ائمه اطهار و فقیه جامع‌الشرایط - بر دیگر هم‌نوعان او وجود دارد؟ ثانیاً: آیا پذیرش این مسئولیت بر حاکم مشروع، واجب است؟ ثالثاً: چه دلایلی بر «وجوب اطاعت از حاکم مشروع» توسط مردم (در عصر غیبت کبرا) وجود دارد؟

با توجه به این‌که ولایت از منظر عقل و دین، تنها از آن خداوندی است که خالق و منشأ هستی می‌باشد و کسی غیر از خداوند یکتا، حق حاکمیت بر موجودات را ندارد و کسانی که اجازه ولایت و سرپرستی مردم را دارند، باید مآذون از طرف خداوند باشند. بر این اساس اگر بر پایه دلایل قابل اعتماد، حق حکومت بر بندگان الهی برای کسی ثابت شد، مطالبی به شرح ذیل به دست می‌آید که پاسخ پرسش‌های فوق‌نیز تا حدودی معلوم می‌گردد:

اولاً: حاکمیت انبیای الهی و ائمه اطهار علیهم‌السلام و فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت، وظیفه و تکلیفی است که خداوند بر عهده خواص درگاه خویش نهاده است.

ثانیاً: بر منصوبان از جانب پروردگار، تشکیل حکومت برای هدایت مردم و رسانیدن آنان به سعادت دنیوی و اخروی واجب است و به همین

۱. مأخذشناسی قواعد فقهی، ص ۲۷۷: «الأصل عدم ولاية أحدٍ على أحدٍ إلا ما خرجَ بدليلٍ ومنها ولاية الحاكم الفقيه»؛ کسی بر کسی ولایت و سرپرستی ندارد، مگر در جایی که دلیلی خاص، موردی را از این قاعده عام خارج کند که یکی از آن‌ها ولایت فقیه [جامع‌الشرایط] است که حاکمیت دارد.

دلیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حکومت تشکیل دادند و پس از خویش هم به دستور خداوند، امام علی بن ابی طالب صلوات الله علیه را به جای خود منصوب فرمودند.

ثالثاً: مردم نیز حق رجوع به غیر آنان را ندارند و چنانچه حاکمیت غیر پیامبر صلی الله علیه و آله ائمه اطهار علیهم السلام و فقهای جامع الشرایط در عصر غیبت کبرا را بپذیرند، برخلاف مسیر هدایت الهی حرکت کرده‌اند و بنابراین مستوجب عقوبت الهی می‌شوند؛ علاوه بر این که مردم همیشه در کارها از قدرت و حکومت پیروی می‌کنند و مشهور است که «التاس علی دین ملوکهم»،^۱ آنان در آداب و اخلاق و نیز دین و ایمان‌شان همواره از صاحبان قدرت، تبعیت می‌کنند. لذا می‌توان گفت که سعادت دنیا و آخرت مردم به حکومت و حاکمیت وابسته است.

۵. معنای «ولایت» در آیات و احادیث

موضوع بحث ما در این نوشتار «حاکمیت» است. بنابراین واژه «ولایت» در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به معنای واگذاری حکومت و داشتن قدرت برای اداره امور مردم بر پایه احکام الهی است که قرائن متعدّد لفظی و معنوی در حدیث غدیر و دیگر فرمایش‌های معصومین علیهم السلام بر این مطلب دلالت دارد. لذا بحث فراتر از آن است که برخی تصور کرده‌اند، چراکه وقتی عبارت «ولایت فقیه» به گوش برخی

۱. با جست‌وجویی که از طریق نرم‌افزارهای موجود به عمل آمد، این جمله در منابع روایی و از زبان مبارک ائمه اطهار علیهم السلام مشاهده نگردید و در تعابیر محققان از آن به «المثل النهور» یاد شده است. البته این مثل، حقیقتاً و بدون تردید واقعیت دارد و مردم مانند حاکمان خویش می‌اندیشند، زیرا صاحبان قدرت، پایه فرهنگ و اعتقادات یک جامعه را مانند خویش بنا می‌کنند.

می‌رسد، می‌گویند فقها نیاز به تشکیل حکومت ندارند و ایشان از نظر شرعی ولایت دارند؛ مثلاً شیعیان، خمس اموالشان را به آنها می‌دهند و در مسائل شرعی نیز از آنان تقلید می‌کنند. باید توجه داشت که این دسته افراد، خارج از موضوع، مناقشه می‌کنند و محل کلام در مبحث ولایت فقیه، راجع به قدرت و اختیار فقیه جامع‌الشرایط برای اداره حکومت در جامعه بر اساس احکام اسلامی است. بنابراین، این نوشتار در پی اثبات حقانیت فقیه برای تشکیل حکومت از طرفی و وظیفه شرعی او در مورد این امر از جانب دیگر است.

بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی علیه السلام در بیان معنای مذکور از واژه «ولایت» می‌فرماید:

ما معتقد به ولایت هستیم و معتقدیم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله باید خلیفه تعیین کند و تعیین هم کرده است. آیا تعیین خلیفه برای بیان احکام است؟ بیان احکام که خلیفه نمی‌خواهد. خود آن حضرت، بیان احکام می‌کرد. همه احکام را در کتابی می‌نوشتند و دست مردم می‌دادند تا عمل کنند. این که عقلاً لازم است خلیفه تعیین کند، برای حکومت است. ما خلیفه می‌خواهیم تا اجرای قوانین کند... اسلام همان‌طور که جعل قوانین کرده، قوه مجریه هم قرار داده است. ولی امر، متصدی قوه مجریه است. اگر پیغمبر اکرم، خلیفه تعیین نکند، «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»... ضرورت اجرای احکام و ضرورت قوه مجریه و اهمیت آن در تحقق رسالت و ایجاد نظام عادلانه‌ای که مایه خوش‌بختی بشر است، سبب شده که تعیین جانشین، مرادف اتمام رسالت باشد.^۱

لذا آنچه به عنوان ولایت برای همه فقیهان در برخی امور مانند افتاء و

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۰ و ۲۱.

تقلید مقلدان در احکام تکلیفیه ثابت است، نباید با موضوع اداره کشور و امور مسلمانان بر اساس احکام نورانی اسلام، خلط شود.

۶. رابطه حاکمیت با هدایت انسان

ارتباط حکومت و هدایت به سمت عبودیت الهی و در نتیجه، سعادت دنیوی و اخروی، بسیار تنگاتنگ است و دو مقوله حاکمیت و هدایت از یکدیگر جدا نیستند. به همین علت در روایات ما عامل اصلی خوب یا بدبودن مردم، وابسته به فرهنگ حاکمان دانسته شده است، چنانکه پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

دو طایفه هستند از امت من که اگر ایشان خوب باشند، امت من خوب خواهند بود و اگر ایشان بد باشند، امت من از ایشان پیروی نموده و در نتیجه، بد خواهند شد و این دو طایفه عبارتند از امرا و علما.^۱

هم‌چنین است عبارت «التاس علی دین ملوکهم»^۲ که جمله‌ای صحیح و مجرب می‌باشد و بیانگر صحت این مدعاست. با توجه به ارتباط تنگاتنگ و جدایی‌ناپذیر حاکمیت و هدایت است که خداوند، اطاعت از انبیای خویش را وظیفه همگان شمرده است و می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»^۳

و ما هیچ رسولی را نفرستادیم، مگر برای آن‌که به اذن خدا اطاعت شود.

۱. محمدتقی مجلسی، *لوامع صاحبقرانی*، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲. با جست‌وجو در منابع روایی، و دینی روشن می‌گردد که عبارت مذکور، روایت نیست، بلکه مضمون روایات دیگر می‌باشد که بر اساس تجربه نیز ثابت شده است.

۳. نساء، آیه ۶۴.